زنان مشهور (الیزابت ملکه انگلستان)

ما در شمارهء سوم وعده دادیم که در هر شماره شرح حال یکی‏ از بانوان مشهور بنکاریم ولی بواسطه مسافرت نکارنده مقاله به فارس موفق‏ بانجام وعده خود نشدیم.اینک بوعده خود وفا کرده بشرح حال الیزابت ملکه‏ انکلستان میپردازیم.

الیزابت دختر هانری هشتم بعد از وفات خواهرش ماری بر اریکه‏ سلطنت جلوس نمود این ملکه دارای تمام صفات و مزایائی بود که مردان‏ نامی و نوابغ انگشت‏شمار بدو متصف هستند،ولی معهذا از لطافت و رقت‏ شمایل و شدت انفعال و حب خودآرائی که از مزایای جنس لطیف‏ است بهرهء وافی داشت خیلی به آرایش لباس و پاکیزگی و ظرافت اهمیت‏ میداد،و به درجه شیفته جمال خویش بود که ابدا نمیتوانست خوشکل‏تر از خود را به‏بیند.زبان‏های لاتینی و فرانسه و ایطالی و اسپانی و فلمنکی را بخوبی بیاموخت و کتابی را از ایطالیائی به انگلیسی ترجمه نمود،بیشتر اوقات فراغت را بمطالعه تاریخ صرف میکرد.

ملت انگلیس از جلوس این ملکه دانشمند عالم بی‏اندازه اظهار مسرت و خوشوقتی نمود و سلطنت او را بفال نیک گرفتند که جبران‏ مظالم و سفاکیهای خواهرش ماری را بنماید و همینطور هم شد.الیزابت‏ از بدو جلوس بسط عدل و داد و اعطاء آزادی وجههء نظر خویش قرار داده‏ لحظه از فکر آسایش رعایا و ترقی ملت خویش غفلت نمینمود.بطوریکه‏ همه را هواخواه و ثناخوان خویش کرده و از بزرگترین خدمات او این است که ولیم سیسل مصلح و سیاسی معروف را بوزارت انتخاب نمود و مشارالیه با کمال صداقت مشغول خدمت‏گذاری شده تمام اوقات شبانه‏ روزی خود را صرف راحت مردم و آبادی مملکت مینمود تا جائیکه‏ بزرگترین مقامی در میان معاصرین خویش و در قلوب ملت احراز نمود.

الیزابت از پروتستانها که در آنوقت در فشار بودند بی‏اندازه یاری و مساعدت میکرد و برای انتشار این مذهب میکوشید ولی در عین حال عقاید دیگران را نیز محترم میداشت

پاپ بیوس چهارم خیلی کوشید که او را بمذهب کاتولیکی برگرداند ولی‏ مساعی او بهدر رفت

در سال 1563 پارلمان از او درخواست کرد که محض اینکه ملکت‏ بعد از او بی‏پادشاه نماند شوهر اختیار کند.و در اثر پیشنهاد پارلمان تمام‏ اعیان و اشراف مملکت داوطلب این ازدواج گردیدند همینطور پادشاهان ممالک‏ دیگر مثل شارل نهم پادشاه فرانسه و کارلوس پسر پادشاه آلمان و فلیب دوم‏ پادشاه اسپانی شوهر خواهرش ماری.لیکن دست رد بر سینه همه گذارده. جواب داد همانطور که مایلم در مملکت خود آزاد باشم میل دارم که در نفس‏ خویش نیز آزاد بمانم

ولی بیکی از بزرکان مملکتش مسمی به«ارل لستر»بی‏اندازه‏ تعلق خاطر داشت،او نیز بدرجه سرمست بادهء توجه و اقبال ملکه بود که‏ تصور میکرد جز زوجه‏اش مانعی برای همسری ملکه انگلستان ندارد و بواسطه این خیال خام بقتل زوجه بیچاره‏اش مبادرت نمود.ولی الیزابت‏ از قبول او سر باز زد زیرا در عشق‏ورزی نیز علو مقام خود را از دست نمیداد بواسطهء طرفداری و تقویتی که از پرتستانهای اسکاتلند مینمود بحدی در آنجا نفوذ بهم رسانید که اهالی آنجا از ملکه خود ماری‏ استوارت متنفر شدند چه بر کاتولیکهای اسکاتلند و انگلند ماری استوارت‏ را حامی مذهب خویش میدانستند و این هم یکی از موجبات نفرت پروتستانهای‏ اسکاتلند از او بود بعد از آنکه ماری استوارت شوهر ض را بقتل رسانید و مردم بر ضد او شورش نموده او را گرفتار کرده در یکی از قلاع‏بند نهادند 1ماری استوارت چون از طور حبس بستوه آمد بخاله‏زاداش الیزابت‏ ملتجی گردید ولی مفاد کالمستجیر من الرمضاء بالنار دربارهء او صارق آمد چه‏ الیزابت او را از محبس اسکاتلند نجات داد ولی خود او را محبوس نمود و (1)پسرش جمس که بعد انگلستان و اسکاتلند را یکی و متحد ساخت در محبس‏ متولد گردید مدت 18 سال در گرفتاری او بماند.هرچند که چندین دفعه رای فرار حیله بر انگیخت ولی بدبختانه حیله او کارگر نشد و در سال 1577 که یک حزبی‏ بر ضد الیزابت دسیسه مینمود از بیم آنکه شاید ماری استوارت نیز در آن دستی‏ داشته باشد او را محاکمه نموده با چند نفر از توطئه کندگان دیگر بقتل‏ رسانید.

در ایام او کشتار هولناک مشهور در فرانسه بعلت اختلاف‏ پروتستان و کاتولیک واقع گردید.پادشاه اسمی فرانسه در آن وقت شارل ملقب‏ به ضعیف بود.ولی در واقع و نفس الامر مادرش کاترین سلطنت میکرد که‏ او را مجبور بامضای حکم قتل پروتستانها نمود در نتیجه آن حکم یا جهالت‏ و تعصب احمقانه یک زن سفیه‏جویهای خون در تمام شهرهای فرانسه جاری‏ شده و چنانکه میگویند قربانیهای آن مجزرهء هولناک به پنجاه هزار نفر بالغ گردید بقسمی تعصب مذهبی چشم و گوش آنها را بست که‏ بقتل و نابودی یک چنین عدهء عظیمی از هموطنان خود تن در دادند آری در آن ایام تعصب جاهلانه و حماقت کشیش‏ها پیوسته اروپا را بخاک و خون‏ آغشته نموده بود

و بخلاف روح دیانت مسیح که بصلح و مسالمت امر مینماید همواره‏ مردم قربانی هوی و هوس تجار دین‏فروش بودند و طوری این هنگامه را گرم کرده بودند که دول اروپا را به دو قسمت منقسم کرده یکدسته هواخواه‏ پیشرفت پروتستان و دستهء دیگر خواهان پیشرفت و غلبه کاتولیک بودند و همواره آتش جنک وجدال بین این دو دسته مشتعل بود چنانکه از اوائل‏ قرن 16 تا نیمه قرن 17 مسیحی مردم اروپا کمتر روی آرامش دیدند و صلح ثابتی که بجنگهای مذهبی خاتمه داد فقط صلح مسمی به سراریستگال‏ است که در سال 148 منعقد گردید.در آن روزهای تاریک که جان و مال و ناموس مردم دستخوش کشیش‏ها و مدعیان دیانت بود سکنه اروپا که اغلب آنها فرانسوی و هولندی و جرمن بودند محض آزادی عقیده بترک‏ دار و دیار خود میگفتند و بممالک خارجه مهاجرت مینمودند و بیشتر آنها بانکلستان که در آن روزگار مهد آزادی بشمار میرفت رو آورده در سایه عدل و داد الیزابت رحل اقامت می‏افکندند.هجوم مهاجرین فوق بانکلستان‏ تأثیر عظیمی در آبادی آن مملکت و رواج بازار علم و هنر نمود چنانکه‏ هولندیها و جرمن‏ها استعمال و صنعت ساعت را رواج دادند و فرانسویها بسیاری از علوم دیکر که در انکلستان یا مجهول و یا ناقص بود بمردم آموختند زراعت گوجه فرنکی و تنباکو و بسیاری از محصولات دیگر از آنوقت‏ معمول گردید

پاپ سکستس پنجم و فلیب دوم پادشاه اسپانی بگناه اینکه الیزابت‏ طرفدار آزادی عقاید بود در دشمنی و مخالفت با او هیچ فروگذار نمیکردند. ولی او در مقابل آنها ایستادگی نمود.فیلیپ دوم برای نشر مذهب‏ کاتولیک به مملکت هولند لشکرکشی نمود و آنهمه ظلم و جنایت و سفاکی از او سرزد-حس نوع‏دوستی الیزابت را وادار بحمایت هولندیها نموده برای جلوگیری از فجایع اسپانیها بان کشور لشکر کشید و پس از آنکه مملکت را از آنها بپرداخت به درجه با مردم خوش‏رفتاری و مهربانی نمود که عموم ملت هولند از جان و دل هواخواه او گشته از او در خواست و تمنا نمودند که مملکت آنها را ضمیمه نموده آنها را بسلطنت‏ خویش مفتخر سازد ولی مشار الیها برای اینکه خدمت خود را آلوده باغراض‏ خصوصی ننماید از قبول این متلمس استنکاف نموده پس از اخراج دشمن‏ و تأمین مملکت آنها را بحال خود گذارد.ما میتوانیم الیزابت را در عهد خود حامی ملل ضعیفه و اقوام مظلومه نام‏گذاریم چه هر جا یک حریص‏ طماع بمملکتی حمله مینمود الیزابت بحمایت آن ملت مظلوم برمیخواست‏ چنان‏که هنگام حمله فیلیب دوم بفرانسه نیز الیزابت بحمایت فرانسویها تجهیز اردو نمود و به کشتی‏های خود امر داد که بسواحل اسپانی دست‏ اندازی نموده و آنها را بخود مشغول سازند که نتوانند در فرانسه پیشرفتی‏ نمایند.کشتی‏های او با آنکه آنوقت در مقابل قوای دریائی اسپانی ضعیف بود با فتح و فیروزی و غنایم بیشمار مراجعت نمودند

بعد از این واقعه پاپ اعلان جنک مذهبی به او داده و فیلیپ دوم به دست‏آویز اینکه شوهر ماری خواهر الیزابت بوده خود را وارث شرعی‏ تاخ و تخت انگلستان خوانده یکدسته؟؟؟جنگی که در آنوقت کسی نمیتوانست‏ روی دریا حریفش گردد مأمور حمله به انگلستان نمود ولی بمدلول تجری الریاح‏ بما لا نشتهی السفن باد مخالفی بر آنها بوزید و طوری آنها را تارومار نموده که عدهء زیادی را غرق و تلف ساخت و بقیة السیف نیز طعمه آتش توپ‏های‏ کشتی‏های انکلیس گردید و قسمی قوای دریائی اسپانی که تا آن روز منحصر بفرد بود متلاشی ساختند که دیگر ملت اسپانی بجبران آن موفق‏ نخواهد گشت.

در آن ایام کشتی‏های بخاری برای اکتشاف ممالک مجهوله و استعمار بنقاط دوردست زیاد آمد و رفت مینمودند ملکه الیزابت بی‏اندازه آنها را تشویق و تقویت مینمود و به آنها امر داد که کشتی‏های خود را کاملا مسلح نمایند

خلاصه روز بروز قدرت و شوکت او رو بازدیاد میگذارد و بهمان اندازه هم‏ عشق و دلبستگی او به ارل لستر رو بفزونی می‏نهاد و بحدی دلباخته او بود که یک لحظه‏ تاب مفارقت او را نداشت خیانت‏های متعدد و گناهان بی‏شماری را که مرتکب‏ میگردید عفو و اغماض مینمود و حتی بخاطرخواهی و بذل و بخشش که درباره‏ درباره‏اش مینمود اکتفا نکرده بلکه از وزرایش تقاضا نمود که او را در رتبه‏ دوم ملکه بشناسند-وزراء مدتی برای جواب دادن مهلت خواستند و بی‏ اندازه در این باب متحیر بودند،چه نمیخواستند که ملکه را برنجانند و پیشنهاد او را رد کنند و نه هم اعتراف بچنین مقامی جایز و مصلحت میدانستند در این اثناء که وزراء سخت متحیر و درمانده بودند ملک الموت قضیه را حل‏ نمود و ارل لستر را از میان برداشت.الیزابت بی‏اندازه از مرک او غمگین‏ و ملول گردید ولی چندان طولی نکشید که او را فراموش کرده خاطرش‏ صید دام یک جون رعنای دیگری گردید.با آنکه جوان مزبور دارای رتبه‏ و مقامی نبود چون گوشهء چشم ملکه بدو بود او را بمناصب عالیه ترقی داد تا آنکه یکی از رجال مملکت بشمار آمد ولی بمدلول جوانان خرمند و خوب رخسار و لیکن در وفا با کس نپایند.

همانطور که ملکه گرفتار کمند او گردید دیگری نیز او را گرفتار دام خود نمود.همینکه ملکه از این ماجرا باخبر شد او را گرفتار کرده و حبس‏ نهاد.لیکن آتش عشق بر حس قهر و غضب غالب آمد و بزودی او را رها کرده و باز مشمول مراحم و الطاف خویش نمود

سپس او را بمأموریتی بایرلند فرستاد چون از عهده انجام مأموریت‏ خویش برنیامد مجددا او را گرفتار و محاکمه کرده بعد از محاکمه و اثبات‏ تقصیر او را بقتل رسانید.ولی دیری نکشید که از کردهء خود نادم شده شب‏ و روز از اندوه فقدان معشوق خویش بگریه و زاری سر میکرد.و این غم و اندوه طوری او را ضعیف و رنجور نمود که پس از چند سال در عمر هفتاد سالگی جهان ناپایدار را بدرود گفته و برای جاویدان شتافت.و بوفتات‏ او خانواده اتیودریه منقرض گردید

خلاصه سلطنت این ملکه تا آن ایام از فرخنده‏ترین ایام انکلستان‏ بوده و باین واسطه هنوز ملت انگلیس نام او را مقرون بتعظیم و احترام یاد میکنند،روزکار این پادشاه آغاز شروع باختراع است.قوای دریائی انکلیس‏ و کشتی‏های تجاری آنملت در عهد فرخنده او رونق گرفته و ملت انکلیس‏ مانند هاله کرهء زمین را احاطه نمود.شرکت‏های تجاری آنها در هند و امریکا و سایر نقاط عالم تأسیس گردید.شعراء و فلاسفه و سیلسیین و سپه‏ سالاران نامی همه در عهد او ظهور نمودند.چنانکه لورد بیکون که مجرای‏ فلسفه لاهوتیرا به طبیعی تغییر داد.ولیم سیسل سیاسی مصلح و محنک معروف‏ سر ولتر مؤرخ شهیر انگلیس-شکسپیر شاعر بی‏مثل و مانند و سایر اعاظم‏ انگلستان از مفاخر ایام این ملکه میباشند که در سایه عنایت و تشویق و قدردانی و بذل و بخشش او باین پایه و مقام رسیده‏اند.

بعبارت دیگر انکلستان در عهد او مهد آزادی و مرکز علم و فلسفه‏ و شعر و ادبیات و قبلهء دانشوران اروپا گردید.

ما فقط میتوانیم در میان سلاطین ایران ایام او را با روزکار سلطان‏ نامدار دانش‏دوست یمین الدوله محمود غزنوی تشبیه کنیم